

اخبار حوادث

شکارچی زنان در همدان اعدام شد

حکم اعدام «رامین مجیدی فر» به اتهام تجاوز به عنف پس از تایید، با حضور نماینده دستگاه قضایی در شهر همدان اجرا شد. متهم که در تاریخ ۸ مرداد ماه سال جاری در شهر همدان به جرم شرب خمر و تجاوز به عنف توسط پلیس آگاهی دستگیر شده بود، بعد از گذراندن مراحل قضایی به جرم ۱۰ مورد تجاوز به عنف و آدم ربایی محاکمه و به اعدام محکوم شد. مرد اعدامی به بیش از ۴۰ مورد ارتباط نامشروع در ماه های گذشته با دختران و زنان متاهل که عموماً به اجبار بوده، اعتراف کرده است. وی با کارگذاری دوربین مخفی، تصاویر و فیلم هایی از این تجاوز ها تهیه و نگهداری کرده که از آنها برای تهدید دختران استفاده می کرد.

■ ■ ■

اسید پاشی هولناک روی پزشک تهرانی

عامل اسیدپاشی در خیابان رسالت، پس از ارتکاب به جنایت از محل وقوع حادثه متواری شد. روز دوشنبه ماموران انتظامی در تهران در جریان وقوع یک فقره اسیدپاشی در خیابان رسالت تهران قرار گرفتند. سرپایس از این اطلاع عوامل انتظامی به محل اعزام و تحقیقات خود در رابطه با این موضوع را کلید زدند. قربانی که پس از انجام عملیات اولیه اورژانسی به بیمارستان منتقل شده بود دکتر جوان و متخصص اورولوژی بود که در حال بازگشت به خانه خود بوده است. بررسی ها نشان داد: این فرد در میانه راه توسط فرد یا افراد ناشناسی مورد حمله اسیدپاشی قرار گرفته بود. با دستور باز پرس سید سجاد منافی آذر، پرونده ای در این زمینه تشکیل و دستور انجام تحقیقات برای بازداشت متهمان در اختیار ماموران اداره ۱۶ آگاهی قرار گرفت.

■ ■ ■

تیراندازی مرگبار

مردان ناشناس به سر باز جوان

یکی از مأموران ناجا بر اثر شلیک افراد ناشناس در مر یوان به شهسادت رسید. جانشین فرماندهی مرزبانی ناجا، گفت: در درگیری شامگاه دوشنبه مرزبانان هنگ مرزی مر یوان با اشرا مسلح مقادیر مرزبانان هنگ مرزی مر یوان با تعدادی اشرا مسلح که قصد ورود و اقدامات خرابکارانه در داخل کشور را داشتند در نقطه صفر مرزی با آنها در گیر شدند. وی افزود: مرزبانان با حضور به موقع، اشرا مسلح را غافلگیر کرده و در عملیاتی مقتدرانه توانستند ضمن وارد کردن تلفات سنگین، مقادیری قابل توجهی سلاح و مهمات از آنها کشف کنند. جانشین فرماندهی مرزبانی ناجا تصریح کرد: متأسفانه در این درگیری سرباز وظیفه «میلاد محمدیان» به مقام والای شهادت مفتخر شد. سردار «محمد کاظم تقوی» با اشاره به درگیری مرزبانان هنگ مرزی مر یوان با اشرا مسلح، اظهار داشت: شامگاه دوشنبه مرزبانان هنگ مرزی مر یوان با تعدادی اشرا مسلح که قصد ورود و اقدامات خرابکارانه در داخل کشور را داشتند در نقطه صفر مرزی با آنها در گیر شدند. وی افزود: مرزبانان با حضور به موقع، اشرا مسلح را غافلگیر کرده و در عملیاتی مقتدرانه توانستند ضمن وارد کردن تلفات سنگین، مقادیری قابل توجهی سلاح و مهمات از آنها کشف کنند. جانشین فرماندهی مرزبانی ناجا تصریح کرد: متأسفانه در این درگیری سرباز وظیفه «میلاد محمدیان» به مقام والای شهادت مفتخر شد.

■ ■ ■

سرقت میلیار دی

از یک صرافی در گرگان

سارقان نقاب دار از یکی از صرافی های گرگان، حدود یک و نیم میلیارد تومان به سرقت بردند. حجت الاسلام سید رضا سید حسینی، دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان گلستان گفت: تلاش برای شناسایی آن ها ادامه دارد. دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان گلستان با رد ادعای سرقت مسلحانه از این صرافی، افزود: سارقان با استفاده از کلید مغازه را باز کرده اند و به گفته صاحب صرافی حدود یک و نیم میلیارد تومان ارز و سکه به سرقت رفته است. سید حسینی گفته: تحقیقات ابتدایی نشان می دهد سارقان کلید را از کارگر مغازه گرفته اند و ادعای کارگر این صرافی مبنی بر این که در دادن نقاب دار به زور و با تهدید، کلید را از او گرفته اند در حال بررسی است. به گفته دادستان مرکز استان، سرنخ هایی به دست آمده که در حال بررسی است.

■ ■ ■

قتل دختر ۱۶ ساله

در پار تی دوستانه

دختری ۱۶ ساله در او کلاهما توسط دوستانش پس از مصرف ماری جوانا و مشروبات الکلی به قتل رسید. طبق گزارش پلیس، ۴ دختر و پسر پس از مصرف ماری جوانا و مشروبات الکلی دچار مستی و نشنگی شدند و با استفاده از تفنگ شکاری دوست صمیمی شان را که دختری نو جوان بود به قتل رساندند. همسایه ها که متوجه صدای شلیک گلوله شدند با اداره پلیس تماس گرفتند و گزارش این اتفاق را به ماموران دادند.

داماد را مورد بررسی قرار داده بودند تیم دیگری از ماموران به سراغ مهدیه رفتند.

مهدیه وقتی شنید یکی از دزدان نام او را صدا کرده ابتدا شوکه شد و در برابر همسرش سکوت کرد اما مامور پلیس که به رفتار زن جوان شک کرده بود از تازه داماد خواست تا بیرون از اتاق بازجویی منتظر بماند.

مهدیه در این صحنه در حالی که اشک می ریخت گفت: سال ها قبل دل باخت به پسر جوانی در محل زندگی مان شدم و قرار بود با هم ازدواج کنیم تا اینکه افشین به خاطر سرقت به زندان افتاد اما باز منتظرش بودم چون از طریق کسانیکه با او در ارتباط بودند شنیدم که افشین توبه کرده و قبول داده دیگر به خاطر من دزدی نکند. روز ها گذشت تا اینکه حسین که از دوستان خانوادگی مان بوده به خواستگاری ام داد، ابتدا بخاطر افشین جواب منفی به آنها دادم اما با اصرارهای خانواده ام مجبور به ازدواج شدم ولی فکر نمی کردم افشین دست به این کار بزند، چون ۲ سال منتظرش بودم که آزاد شود و در این مدت نگذاشتم پای یک خواستگار هم به خانه مان باز شود.

وی افزود: احتمال می دهم کار سرقت و کتک کاری از سوی افشین صورت گرفته باشد.

دستگیری سارق عاشق پیشه

ماموران در این مرحله با توجه به سابقه دار بودن افشین، تصویر مجرمان سابقه دار را پیش روی تازه داماد گذاشتند و خیلی زود افشین به عنوان یکی از دزدان شناسایی شد.

بدین ترتیب ماموران در عملیاتی غافلگیرانه افشین را دستگیر کردند و وی ابتدا خود را بیگناه می دانست اما وقتی از سوی تازه داماد شناسایی شد به ناچار راز سرقت شان با همدستی ۲ تن از د وستانش پرده برداشت.

در ادامه ماموران با شناسایی ۲ متهم دیگر در ۲ عملیات همزمان موفق به دستگیری آنها شدند. بنا به این گزارش، تحقیقات پلیسی از متهمان ادامه دارد.

افشین و دوستانش در کمین بودند که جوان شیک پوش سوار بر خودروی لوکسش از خانه شان خارج شد و ۳ پسر جوان به تعقیب وی پرداختند تا اینکه در یک خیابان خلوت دوستان افشین از موتور سیکلت شان پیاده شده و به سراغ تازه داماد رفتند و با تهدید سوار بر خودروی لوکس شدند و دستتور حرکت را برای پسر جوان صادر کردند.

افشین سوار بر موتور به دنبال دوستانش می رفت تا اینکه آنها در محله ای آرام و ساکت توقف کردند.

سرقت میلیونی

۲ پسر جوان ابتدا تازه داماد را به باد کتک گرفتند و سپس با تهدید گوشی موبایل، ساعت گرانقیمت و کارت بانکی پسر جوان را دزدیدند و پس از گرفتن رمز کارت بانکی افشین و مهر داد پسر جوان را داخل خودرو زندانی کردند و حمید برای گرفتن پول به بانک رفت.

حمید پس از برداشت پول و خرید میلیونی از یک طلافروشی پیش دوستانش بازگشت و در زمان قرار افشین در برابر تازه داماد ایستاد و او را تهدید کرد که اگر به دنبالش بیایند زندگی خودش و مهدیه را روی سرشان خراب می کند.

افشین و دوستانش با پول میلیونی که به جیب زده بودند پس از ضرب و شتم تازه داماد سوار بر موتورهای شان پا به فرار گذاشتند.

ردیابی پلیسی

تازه داماد پس از اینکه از دست دزدان راهایی یافته بود پای در اداره پلیس گذاشت و از ماجرای سرقت و کتک کاری های ۳ جوان پرده برداشت.

جوان شیک پوش در تحقیقات پلیسی ادعا کرد که احتمال می دهد دزدان او و همسرش را می شناختند و با نقشه قبلی به سراغ او رفته اند. ماموران در تحقیقات پلیسی وقتی شنیدند که یکی از دزدان در آخرین صحنه سرقت شان نام زن پسر جوان را به زبان آورده فرضیه یک انتقام گیری را پیش روی خود قرار دادند.

در حالیکه تیمی از ماموران برای تحقیقات میدانی حساب بانکی تازه



برود تا ماجرای شکست عشقی اش را فراموش کند.

تصمیم عجیب در سفر

افشین و ۲ تن از دوستانش پس از سفر به شهرهای شمالی در حال خوش گذرانی بودند که در عالم مستی یکی از آنها پیشنهاد داد تا به سراغ رقیب عشقی افشین بروند و او را ادب کنند.

پسر جوان ابتدا مخالف این پیشنهاد بود ولی برای اجرای نقشه شان ماجرای سرقت پیش آمد افشین پذیرفت تا همراه دوستانش نقشه دزدی را به اجرا بگذارند.

ردیابی داماد شیک پوش

افشین و دوستانش در مرحله نخست اجرای نقشه شان به دنبال سرنخی از خانه مهدیه و شوهرش گشتند تا اینکه افشین به سراغ دختر عموی مهدیه رفت و با چرب زبانی و به بهانه اینکه می خواهد برای آخرین بار مهدیه را از دور مشاهده کند توانست آدرس خانه شان را به دست آورد.

همین کافی بود تا ۳ پسر جوان سوار بر خودرو در نزدیکی خانه مهدیه کمین کنند و پس از چند روز توانستند پسر شیک پوش را شناسایی کنند.

تا مهدیه را فراموش کند، چون زندگی آرامی پیدا کرده و خانواده اش نیز با توجه به شرایط مالی پسر جوان خانه شان را تغییر داده اند.

شکست عشقی

افشین پس از شنیدن حرفهای دختر جوان سکوت کرد و در خیابان شروع به قدم زدن کرد و نمی توانست باور کند همه رویاها و تصویری که پس از آزادی برای آن برنامه ریزی کرده بود از بین رفته است.

پسر جوان یک هفته از خانه بیرون نیامد و گوشی موبایلش را هم خاموش کرد و این در حالی بود که چند تن از دوستانش که با او صمیمی بودند نگران سرنوشت رفیق شان شده بودند تا اینکه به جلوی در خانه افشین رفته و وقتی وارد خانه شدند شنیدند که پسر جوان از دواج داده بودند با پسر جوان دیگری از دواج کرده است.

افشین حال و روز خوشی نداشت و دوستانش هر چه با او صحبت کردند که ماجرای مهدیه را فراموش کنند بی فایده بود تا اینکه فردای آن روز ۲ تن از دوستان افشین به سراغ او رفتند و پس از کلی صحبت توانستند او را راضی کنند که همراه آنها به یک سفر

را دید و وقتی جلوی راه او را گرفت دختر جوان سعی داشت مسیرش را تغییر دهد اما بی فایده بود و افشین از می خواست که در مورد مهدیه خبری به او دهد.

مرجان ابتدا در برابر خواسته افشین سکوت کرد اما وقتی بی قراری پسر جوان را شنید در حالیکه سرش را پایین انداخته بود به افشین گفت که دیگر پیگر مهدیه نباشد.

افشین شوکه شده بود و علت این ادعا را خواست بشنود که شنید مهدیه با پسر پولداری از دواج کرده است.

مرجان به افشین گفت: مهدیه خیلی منتظر او بود اما چندی قبل پسر جوان شیک پوش و پولداری به خواستگاری مهدیه رفت و خانواده اش نیز با توجه به شرایط مالی که پسر جوان داشت مهدیه را مجبور به این ازدواج کردند.

وی افزود: ۲ ماه پیش مهدیه و پسر شیک پوش با هم ازدواج کردند و ماه عسل را هم به یک کشور خارجی رفتند و پس از آن دیگر خبری از آنها ندارم.

دختر جوان که احتمال می داد افشین دست به کار احمقانه ای بزند در آخر صحبت هایش از امیر خواست

گروه حوادث: سارق عاشق پیشه پس از آزادی از زندان وقتی شنید دختر مورد علاقه اش با پسر پولداری ازدواج کرده نقشه یک انتقام گیری میلیونی را با دوستانش به اجرا گذاشت.

افشین جوان ۲۵ ساله چندی قبل پس از پایان محکومیت زندان به خاطر سرقت هایش آزاد شد و این در حالی بود که روزهای آخر زندان با خودش عهد بسته بود که دیگر دست به خلاف نزند و زندگی با دختر مورد علاقه اش را شروع کند.

پسر جوان وقتی از زندان آزاد شد به سراغ گوشی موبایلش رفت و خبر آزادی اش را برای مهدیه ارسال کرد اما هر چه منتظر ماند جوابی از سوی دختر مورد علاقه اش نگرفت.

۲ روز از این ماجرا گذشت و افشین که نگران سرنوشت دختر مورد علاقه اش بود به محل زندگی مهدیه رفت و آنجا بود که شنید دختر جوان همراه خانواده اش محل زندگی شان را تغییر داده اند.

خبر بد برای دزد جوان

افشین مدتی به دنبال مهدیه گشت تا اینکه یک روز در خیابان دوست صمیمی دختر مورد علاقه اش

خبر

۳ متهم یکدیگر را گناهکار می دانند

قاتل تاجر سنگ کیست؟

گروه حوادث: ۳ مرد در خانه مرد

ثروتمند پس از خوشگذرانی برای سرقت سنگ های قیمتی دست به جنایتی معمایی زدند.

عاملان این قتل پس از دستگیری داستان های عجیبی را مطرح کردند و هر یک قتل را گردن دیگری می اندازند.

مرداد ماه سال ۹۲ ماموران پلیس پایتخت در جریان مرگ مرد ثروتمندی در خانه اش قرار گرفتند و با حضور در صحنه جرم پی بردند که این مرد در زمینه خرید و فروش سنگ های قیمتی فعالیت می کند و در آمد بالای از این زمینه داشته است.

ماموران در ردیابی هایی فنی و تحقیقات میدانی متوجه شدند که مرد ثروتمند قبل از مرگ با مرد جوانی به نام کاظم در تماس بوده و با هم مکالمه تلفنی داشته اند.

بدین ترتیب مأموران کاظم را به عنوان مظنون شماره یک این پرونده جنایی دستگیر کردند و وی در بازجویی ها به قتل اعتراف کرد و گفت: من همراه ۲ نفر دیگر به نام های کیان و جمال به خانه مقتول رفتم و در آنجا کیان و جمال نقشه قتل را طراحی و اجرا کردند.

متهم گفت: ما با مقتول دوست بودیم و رابطه خوبی هم داشتیم آن روز هم برای اینکه همدیگر را ببینیم به خانه اش رفتم،

اما کیان و جمال با دیدن سنگ های قیمتی

و وضعیت زندگی مقتول وسوسه شدند و تصمیم گرفتند او را بکشند. آنها میوه و آیمیهو خریده بودند و درون آن دارو ریختند و بعد هم آرش را به قتل رساندند.

بعد از اعترافات متهم کیان و جمال که مردی افغان است دستگیر شدند و کیان به قتل اعتراف کرد و گفت: من مقتول را از مدت ها قبل می شناختم و با هم مراوده مالی داشتیم حتی من یک دستگاه به مقتول فروخته بودم که پنج میلیون تومان ارزش داشت، اما مقتول هنوز پول آن را به من نداده بود من هم سر این موضوع از مقتول دلخوری داشتم.

وی افزود: روز حادثه به خانه مقتول رفتم تا کمی خوشگذرانی کنیم و دور هم باشیم. مقداری هم میوه خریداری کرده بودیم. جمال آنها را در یخچال گذاشت. من نشسته بودم و کاظم و آرش در حال بازی بودند که آرش گفت کمی از میوه ها بیآورید تا با هم بخوریم. جمال سر یخچال رفت که میوه ها را آماده کند. او یک سسکه ناشام داد و مدعی شد این سکه ۵۰۰ میلیون تومان ارزش دارد و گفت اگر مقتول را بکشم، سکه را به من می دهد. او گفت مایم توانیم با به قتل رساندن آرش سنگ های قیمتی ای که در خانه اش بود را برداریم.

این متهم ادامه داد: جمال یک مجسمه

شیر طلا را در خانه آرش دیده بود و همین هم باعث شد وسوسه شود. وقتی سکه را به من نشان داد من هم وسوسه شدم. جمال آب میوه را تهیه کرد و در آن مقداری داروی خواب آور ریخت و به آرش داد. آرش بدحال شد و سر گیجه گرفت و روی زمین افتاد. من گردنش را گرفتم و فشار دادم تا به گوشه ای ببرمش بعد هم دست و پایش را با پارچه ای بستم و رویش یک پارچه کشیدم تا نبیند ما چه می کنیم بعد هم سنگ های قیمتی خانه اش را سرقت کردیم.

متهم گفت: بعد از اینکه از خانه آرش بیرون آمدیم جمال سکه ای که قولش را داده بود را به من داد، اما بعد متوجه شدم سکه نقره است و او دروغ گفته که سکه طلا به من می دهد. سپس از جمال بازجویی شد. او همه اتهامات را رد کرد و گفت اصلا نمی داند دو متهم ایرانی چه می گویند و گفته های آنها را قبول ندارم.

با پایان جلسات بازجویی کیفرخواست علیه هر ۳ متهم صادر و پرونده با اتهام قتل عمدی برای کیان و معاونت در قتل عمدی برای جمال و کاظم به دادگاه فرستاده شد.

متهمان پای میز محاکمه رفتند و در ابتدای جلسه رسیدگی نماینده دادستان در جایگاه حاضر شد و با خواندن کیفرخواست



خواب آورده بود. متهم دیگر در جایگاه حاضر شد. این جوان ۲۹ ساله که ۲۳ فقره سابقه کلاهبردای و سرقت دارد پشت تریبون دفاع قرار گرفت و گفت: من اتهامات شرب خمر، سرقت و کتک زدن مقتول را قبول دارم، اما قتل را قبول ندارم، چون زمانی که ما از خانه مقتول بیرون می آمدیم او زنده بود.

وی افزود: جمال من را تحریک کرد، او بود که این نقشه را طراحی کرد و می دانست که من و مقتول با هم اختلافاتی داریم و با کارهایی که انجام داد توانست من را تحریک کند و سپس همه سنگ ها را خودش برداشت و سکه ای که به من داده بود هم تقلبی بود.